

پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان
سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۰-۱
اعلام وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۱۲، پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۱

صحیفه سجاده الهام بخش نیایش های کهن پارسی سید محمد رضا ابن الرسول* سیده صغری صالحی ساداتی**

چکیده

صحیفه سجاده یکی از متون دعایی مهم و زیبای اسلام است که علاوه بر مناجات پیشوای چهارم شیعیان، مطالب و مفاهیم بلند عرفانی نیز دارد. در بررسی و تطبیق مناجات صحیفه سجاده با مناجات منشور فارسی، مشاهده می شود که پاره ای از مضامین این مناجات منشور، متأثر از صحیفه سجاده است. در مقاله پیش رو، نتایج جستجوی نویسندگان در مناجات نامه های فارسی، با نظر داشت مضامین دعا های صحیفه سجاده، با سامانی نو عرضه شده است. در این پژوهش، با ارائه نمونه هایی بر مبنای روش توصیفی تحلیلی، نشان داده شده است که عارفان ایران زمین چگونه و چقدر، از نیایش های امام سجاد علیه السلام متأثر بوده اند.

واژه های کلیدی

صحیفه سجاده، نیایش های فارسی، ادبیات تطبیقی، ترجمه، تضمین.

* دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) Ibnorrasool@Yahoo.com

** دانشجوی دکتری، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، ایران salehisadati@gmail.com

مقدمه

حس نیایش حسی شاعرانه است که نیایشگر را از حالت معمول خود درمی آورد؛ سپس به حالتی می افکند که نتوان گزارد و در همین حال است که ناگفته‌های خود را بر زبان می راند. دل که شکست، اشک که جاری شد، زبان هم به گونه‌ای دیگر شده و آینه دل می شود، دل هم که جز شاعری هنری ندارد؛ چنین است که از کام نیایشگر، شاهد شعر می تراود. قصه آدمی است و خدای آدمی؛ راز آفریده است و آفریدگار؛ ناز است و نیاز؛ قصه‌ای نامکرر که به هزار زبان تکرار می شود و هر زبانی، لطافت و حلاوت خود را دارد. پس اگر مضامین نیایش در دو زبان، همسان یا نزدیک به هم باشد، جای شگفتی نیست و می توان بی گمان دادوستد، به هریک جداگانه پرداخت؛ اما گاه شباهت و قرابت از حوزه مضامین، به حوزه تعبیر هم کشیده می شود. آنگاه دیگر انکار اثرپذیری و اثرگذاری بیهوده می نماید.

نیایش امری فطری و در طول تاریخ، از نیازهای روحی بشر بوده است. اقوام و ادیان مختلف، به این امر اهتمام ورزیده و پیروان خود را به انس با معبود فراخوانده اند (ملک ثابت، ۱۳۸۱: ۴۵). ایرانیان باستان نیز به نیایش و دعا توجه بسیاری می کردند: «گائنه‌ها سراسر سرود و مناجات و اشعار اخلاقی عالی است و لطیف‌ترین احساسات دینی آن زمان را حکایت می کند» (رضازاده شفق، ۱۳۶۹: ۲۶). در ایران پس از اسلام هم، نیایش داستانی شنیدنی دارد. ایرانیان دین اسلام را با آغوش باز پذیرفتند و آموزه‌های آن را با جان و دل قبول کردند. آثار منظوم و منثور فارسی این دوران، مشحون از آیات قرآن و احادیث بزرگان دین است. نیایش نیز به عنوان چکیده و عصاره عبادت، «مخ العبادة»، از آموزه‌های مهم دین مبین اسلام است. «با یک نگاه به دواوین شعرای بزرگ و آثار پیشروان کاروان شعر و ادب ایران می توان به اهمیت دعا و

نیایش در روح شاعران ایرانی پی برد» (مهدوی دامغانی، ۱۳۵۵: ۴۶). آثار منظوم فارسی از آغاز تاکنون، دربردارنده نمونه‌های برجسته‌ای از راز و نیاز با معبود است. این نمونه‌ها گاه مستقل و با عنوان «الهی نامه» یا «مناجات‌نامه» به یادگار مانده‌اند و گاه، غیرمستقل بوده و در آثار شعری قرار گرفته و مضامین پیش و پس از خود را آراسته‌اند. آثار منثور فارسی نیز از آغاز تا امروز، سرشار از این متون زیباست و نوشته‌های غیرشعری که گاه خسته کننده و یکنواخت بوده، با چاشنی این گونه عبارات لطیف و معنوی دلپذیر شده‌اند (داوودی، ۱۳۸۰: ۴۶). وقتی از مناجات‌نامه سخن به میان می آید معمولاً مناجات‌های خواجه عبدالله انصاری (۲۸۱ تا ۳۹۶ق) در ذهن تداعی می شود. وی رساله‌ای به نام «الهی نامه» دارد که به علت دستکاری کاتبان، در تعمیم آن به عنوان اثر تألیفی پیر هرات تردید است؛ علاوه بر این، قسمت‌هایی از آنچه در طبقات الصوفیه نیز آمده است، منسوب به وی است. به غیر از «الهی نامه» پیر هرات، کتاب مستقل دیگری وجود ندارد که از آغاز تا انتها، به مناجات اختصاص داشته باشد. آنچه هست عبارات دعایی بلند و کوتاهی است که به طور پراکنده، در آثار منثور وجود دارد.

کتاب‌های عرفانی مانند تذکره‌الاولیاء، کشف‌المحجوب، ترجمه رساله قشیریه و تفاسیری مانند ترجمه تفسیر طبری، کشف‌الاسرار میبیدی، روض‌الجنان ابوالفتوح رازی و نظایر آن‌ها؛ همچنین مکاتیب و مقامات و منشآت شعرا و نویسندگان، از سال ۳۵۰ تا ۷۰۰ق (قرن چهارم تا هشتم) بیشترین نمونه دعا و مناجات را دارد: مانند مکاتیب سنایی و مولوی (داوودی، ۱۳۸۰: ۴۷). صحیفه سجادیه بی گمان نخستین مجموعه مدون دعا به زبان عربی، در پس از اسلام است. پیش از فراهم آمدن این صحیفه خجسته،

عربی و گاه با اختلافی اندک، در ضمن مناجات‌های فارسی آمده باشد:

۱. سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَجْعَلْ فِي أَحَدٍ مِنْ مَعْرِفَتِهِ إِلَّا الْمَعْرِفَةَ بِالتَّقْصِيرِ عَنِ مَعْرِفَتِهَا (دعای ۶، ش ۱)؛ پاک است آن (خدایی) که قرار نداد از شناخت خود در کسی، مگر همین اندازه که از شناخت او ناتوان است.

«سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلْخَلْقِ سَبِيلاً إِلَى مَعْرِفَتِهِ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنِ مَعْرِفَتِهِ» (عین القضاة، ۱۳۴۱: ۵۸). «سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يُدْرِكِ الْعِبَادُ مِنْ مَعْرِفَتِهِ إِلَّا عَجْزاً عَنِ مَعْرِفَتِهِ» (کلابادی، ۱۳۷۱: ۶۷)؛ «پاکا آن خدایی که اندر نیافتند بزرگان از معرفت وی، مگر عجز از معرفت وی» (کلابادی، ۱۳۷۱: ۳۳۹).

۲. أَنْتَ الْكَرِيمُ الْعَوَّادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا اللَّئِيمُ الْعَوَّادُ بِالْمَعَاصِي... (دعای ۱۴۸، ش ۲۳)؛ تو کریم هستی و به مغفرت و آمرزش عادت کرده‌ای و من موجودی پست و به گناهان عادت کرده‌ام. «بار خدایا! أنت أنت و أنا أنا أنت العَوَّادُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَّادُ بِالذُّنُوبِ؛ بار خدایا من منم و تو تویی من آنم که با سر گناه شوم، تو با سر آمرزش» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶: ۷۷/۵). «بار خدایا! تو تویی و من منم، کار من آن است که هر زمان بر سر گناه شوم و کار تو آن است که هر زمان بر سر مغفرت شوی. بر من رحمت کن!» (غزالی، ۱۳۶۱: ۵۳۷/۱).

۳. إِلَهِي ذُنُوبِي عَظِيمَةٌ وَلَكِنَّ عَفْوَكَ أَعْظَمُ مِنْ ذُنُوبِي (دعای ۲۰۱، ش ۱۴)؛ خدایا گناهان من بزرگ است؛ اما عفو تو از گناهان من بزرگ‌تر.

«... اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبَنَا عَظُمَتْ وَ جَلَّتْ وَ أَنْتَ أَعْظَمُ مِنْهَا وَ أَجَلُّ، ... خداوندا! گناه ما بزرگ است؛ ولی عفو تو بزرگ‌تر» (مبیدی، ۱۳۷۱: ۳۴۵/۴).

به صورت پراکنده، دعاهایی از پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان (ع) و دیگر اهل بیت (ع) در کتب حدیث در دسترس بود؛ اما در دفتری با آغاز و انجامی روشن، هیچ‌گاه گرد نیامده بود و گزارشی از آن نشده است. به تعبیر امام خمینی، در وصیت‌نامه الهی سیاسی (خمینی، ۱۳۶۸: ۵۷)، این کتاب «قرآن صاعد» و از بزرگ‌ترین مناجات‌های عرفانی، در خلوت‌گاه انس با معبود است. از سرچشمه وحی الهام گرفته است و معارف الهی را مانند «قرآن نازل»، بدون تکلف الفاظ و در قالب دعا و مناجات، برای تشنگان وادی معرفت بیان می‌کند.

امام سجاده (ع) در میان همه فرق مسلمان، احترام خاصی دارند و همگان، حضرتش را به کثرت عبادات و مناجات می‌شناسند که «زین العابدین» است. بی‌تردید دعاهای مأثور از این بزرگوار، راهنمای نیایشگران عرب و عجم بوده است. اگر کسی با ادعیه صحیفه انسی داشته و مضامین آن را به ذهن سپرده باشد، همین که مناجات‌های فارسی را باز می‌خواند، با همسانی‌های بسیار مواجه می‌شود. در این مقاله، بر آن نیستیم که این همسانی‌ها را در حوزه مضامین بررسی کنیم؛ چون پیش‌تر، در قالب پایان‌نامه‌ای عرضه شده است (صالحی ساداتی، ۱۳۸۷)؛ بلکه تنها به نمونه‌هایی می‌پردازیم که افزون بر مضمون، تعبیر عربی دعاهای صحیفه یا ترجمه آن‌ها، عیناً به متن نیایش‌های فارسی راه یافته است. برای این کار، ابتدا آثاری که حاوی مناجات‌های فارسی است به دقت مطالعه و یادداشت برداری شد؛ سپس این یادداشت‌ها، با کتاب شریف صحیفه سجادیه مقایسه و تطبیق شد. این مقایسه با استفاده از کتاب ارزشمند نمایه موضوعی صحیفه سجادیه، اثر مصطفی درایتی، انجام شد.

تضمین و اقتباس

در اینجا، از باب مشت نمونه خروار، تنها نمونه‌هایی عرضه می‌شود که عین جمله‌ها یا تعبیر

من جز از تو نیابم که بر من رحمت کند» (سمعانی، ۱۳۶۸: ۵۳۹).

برگردان جمله‌های صحیفه

نمونه‌های این بخش، ترجمه‌های بسیار ماهرانه‌ایست از جمله‌های صحیفه که گاه، به هیچ روی ترجمه‌گون نمی‌نماید:

۱. وَ كَيْفَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا الْعَاصِي؟! وَ كَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَ أَنْتَ الْكَرِيمُ؟! (دعای ۲۰۱، ش ۳)؛ و چگونه تو را بخوانم درحالی که گنه‌کارم؟ و چگونه تو را نخوانم درحالی که تو کریمی؟

«یحیی بن معاذ گفت: یارب تو را چگونه بخوانم و من عاصی‌ام و چرا تو را نخوانم و تو خداوند کریمی؟» (قشیری، ۱۳۸۲: ۴۴۳). «الهی چگونه خوانم تو را و من بنده عاصی؟ و چگونه نخوانم تو را و تو خداوند کریمی؟» (عطار، ۱۳۴۶: ۳۷۴)

۲. أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ ... عَالِمٌ لَا يُعْلَمُ ... (دعای ۱۳۰، ش ۴)؛ خداوند! همانا من از تو درخواست می‌کنم، تویی که دانایی بدون آنکه به او بیاموزند. «خدا یا تو همه چیز را می‌دانی و چیزی به تو آموخته نمی‌شود...» (حلاج، ۱۳۶۷: ۴۱).

۳. ... إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (دعای ۲۵، ش ۳)؛ همانا تو شنونده دعایی.

«ای کریمی که دعا را نیوشنده... تویی» (میبدی، ۱۳۷۱: ۵۲۴/۷).

۴. ... إِنَّكَ مَالِكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ... (دعای ۱۲۷، ش ۲)؛ تو، پادشاه دنیا و آخرت هستی.

«ملک این جهان به دست توست و ملک آن جهان هم به دست توست» (مولوی، ۱۳۶۵: ۵۷).

۴. فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ النَّقْمَةِ (دعای ۱۸۶، ش ۸).

«خدا یا به سزای ما چه نگری، به سزای خود نگر اِفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ» (میبدی، ۱۳۷۱: ۳۴۵/۴).

۵. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (دعای ۱۴۱، ش ۲۴)؛ خدا یا بر محمد و خاندانش درود و برکت فرست همان‌گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و برکت دادی و بر آنان رحم نمودی. همانا تو ستوده و بزرگی.

«مروی است از ائمه کبار... اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَيَّ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَيَّ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (عين القضاء، ۱۳۴۱: ۳۸/۱).

۶. اَللَّهُمَّ إِنْ بَسَطْتَ عَلَيَّ الدُّنْيَا فَزَهِّدْنِي فِيهَا... (دعای ۱۲۱، ش ۷)؛ خدا یا اگر دنیا را بر من فراخ کردی مرا نسبت به آن زاهد گردان.

«... اَللَّهُمَّ ابْسُطْ لِي الدُّنْيَا وَ زَهِّدْنِي فِيهَا. نخست گفت: دنیا را بر من فراخ گردان، آنگاه مرا از آفت آن نگاه دار» (هجویری، ۱۳۸۶: ۹۷).

۷. ... تَجِدْ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي وَ لَا أَجِدُ مَنْ يَرْحَمُنِي غَيْرَكَ... (دعای ۱۴۹، ش ۴۵)؛ تو توانی غیر از مرا بیابی که عذاب کنی؛ ولی من غیر از تو را نمی‌یابم که بر من رحمت کند.

«اعرابی دعا می‌کرد و دعای ایشان بوالعجب بود. گفت: اَللَّهُمَّ تَجِدْ مَنْ تُعَذِّبُهُ غَيْرِي وَ لَا أَجِدُ مَنْ يَرْحَمُنِي غَيْرَكَ؛ بار خدا یا تو جز از من یابی که عقوبت کنی؛ اما

امر کردی کسانی را که به ما ظلم کردند بخشیدیم، پس تو نیز ما را ببخش... در دعای ابوحمزه ثمالی هم فقره‌ای این گونه دارد: «... و أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، فَاعْفُ عَنَّا...» (دعای ۱۱۶، ش ۱۳۱)؛ و به ما فرمودی از کسانی که به ما ظلم کردند درگذریم و ما بر خود ظلم کردیم؛ پس ما را ببخش...

«... خدایا، تو ما را فرمودی که ستمکاران را عفو کنی و از گناه آنان درگذاری. ما همه ستمکاران بر خویشتن؛ عفو کن و از ما درگذار» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۴۵/۴).

۱۰. ... وَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاجْعَلْنِي... (دعای ۱۵۳، ش ۲۳)؛ روز قیامت مرا از دوستان خود قرار ده.

«...فردا که خلق حشر کنی مرا در صف دوستان خود انگیز...» (انصاری، ۱۳۶۲: ۴۲۴).

۱۱. اَللّٰهُمَّ... اَوْزِعْنَا شُكْرَكَ... (دعای ۱۴۳، ش ۴۰).

«ای خداوند من! الهام ده مرا بدان که شکر گزارم نعمت تو را...» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶: ۱۴/۱۵).

۱۲. و أَمَرْتَنَا أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ أَوْلِيَانَا وَ قَدْ جِئْتَكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي (دعای ۱۱۶، ش ۱۳۲)؛ و تو به ما امر کردی که سائلان را از درهایمان رد نکنیم و من به درگاه تو چون گدایان آمده‌ام، مرا رد مکن مگر اینکه حاجتم را برآوری. «بار خدایا تو ما را فرموده‌ای که سائلان را رد مکنید و باز مزید، ما همه سائلانیم ما را رد مکن و نومید باز مگردان» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۴۵/۴).

۱۳. وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَ قَلْبٍ

۵. إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَ لَا يَعْزُزُ مَنْ عَادَيْتَ... (دعای ۸۳، ش ۹)؛ بی‌گمان کسی که تو او را دوست بداری خوار نشود و هر که را دشمن بداری عزیز نشود. «عزیز کرده تو کس خوار نکند، برکشیده تو کس نگونسار نکند...» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۲۶۸/۹).

۶. غُبَيْدُكَ بِيَابِكَ، أَسِيرُكَ بِغِنَائِكَ، سَائِلُكَ بِغِنَائِكَ يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ (دعای ۲۳۲، ش ۲).

«بار خدایا! بندگک تو به درگاه توست. اسیر تو به درگاه توست. مسکین و محتاج تو به درگاه توست. سائل تو به درگاه توست. شکایت با تو می‌کند، آنچه بر تو مخفی نیست» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶: ۸۲/۱).

۷. إلهي وَ سَيِّدِي وَ عَزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ... لَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ (دعای ۱۱۶، ش ۱۱۷)؛ خدای من و مولای من سوگند به عزت و جلالت، اگر مرا در آتش جهنم وارد سازی اهل دوزخ را از محبت خود، به تو آگاه خواهم ساخت.

«بار خدایا اگر مرا به دوزخ کنی من فریاد برآرم که تو را دوست داشته‌ام...» (عطّار، ۱۳۴۶: ۸۷).

۸. إلهي أَتُحْرِقُ بِالنَّارِ قَلْبِي وَ كَأَنَّ لَكَ مُجِبًا؟! (دعای ۲۰۱، ۳۵)؛ خدایا آیا دل مرا به آتش می‌سوزانی حال آنکه دوستدار توست؟

«الهی دلی را که تو را دوست دارد به آتش بسوزی؟» (قشیری، ۱۳۸۲: ۵۷۱).

۹. رَبِّ إِنَّكَ أَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَتَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا أَمَرْتَ فَاعْفُ عَنَّا... (دعای ۱۴۰، ش ۱؛ دعای ۲۰۸، ش ۲)؛ خدایا تو به ما امر کردی که از کسانی که به ما ظلم کردند درگذریم و ما بر خود ظلم کردیم. پس همان‌گونه که

۱۵. ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ... (دعای ۸۸، ش ۳)؛ «در صفات تو عقل گمراه است و آواره...» (ص ۲۱۱).

«ای صفات تو عقول را متحیر کرده...» (سمعانی، ۱۳۶۸: ۵۵).

۱۶. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرَى وَاَلَا تُرَى... (دعای ۸۳، ش ۱۰)؛ خدایا تو می بینی و دیده نمی شوی.

«همه چیز را می بینی و خود به چشم نمی آیی» (حلاج، ۱۳۶۷: ۴۱).

۱۷. اِلٰهِي لَمْ اَعْصِكَ حِيْنَ اَعْصَيْتَكَ وَاَنَا لِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ... وَلَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ... وَاعَانَتِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَغَرْنِي سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ فَقَدْ عَصَيْتَكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي. فَاَلَا مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي؟... وَبِحَبْلِ مَنْ اَتَّصِلُ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي؟ (دعای ۱۱۶، ش ۶۷ و ۶۸).

«بار خدایا به عز و جلال تو که من به آن معصیت که کردم مخالفت تو نخواستم... ولیکن خطیئتی عارض شد و شقاوتی یاری داد و به پرده فرو گذاشته تو مغرور شدم و به جهل و نادانی در تو عاصی شدم. بار خدایا مرا از عذاب تو که رهاند و اگر دستم از رسن رحمت تو بگسلد تمسک به رسن که کنم؟» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۶۶: ۱۶۶/۱).

الهام پذیری و الگوگیری از دعاهای صحیفه

گاه در نیایش های فارسی، با نمونه هایی مواجه می شویم که گویا نیایشگر در آن ها، جمله های صحیفه را نصب العین مد نظر خود داشته و زبان به نیایش فارسی گشوده و مضامین و تعابیر دعاهای صحیفه را در لابه لای دعای خویش جای داده است:

۱. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَالِكُ الْاَدَى مَلَكَتِ الْمُؤُوكَ... (دعای ۲۴۱، ش ۵)؛ بار خدایا تو پادشاهی هستی که بر همه پادشاهان برتری یافته ای.

لَا يَخْشَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ (دعای ۱۱۶، ش ۱۲۷)؛ و به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و قلبی که ترسان نشود و دعایی که شنیده نشود و کاری که سود ندارد. نیز تعقیب نماز عصر فقره ای این گونه دارد؛ ولی اصل دعا از پیامبر است: «اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ؛ اَللّٰهُمَّ اِنِيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَوْلِ الْاَرْبَعِ» (مجلسی، ۱۳۹۰: ۸۵).

«بار خدایا من پناه با تو دارم از علمی که مرا سود ندارد و دلی که ترسکار نبود و دعایی که مستجاب نبود و تنی که خرسندی نکند و شکمی که سیر نشود؛ پناه با تو دارم از شرّ این چهارگانه» (قضاعی، ۱۳۴۹: ۴۳۵).

۱۴. سَيِّدِيْ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِيْ وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِيْ بِهَا عَجَزَ عَنْهَا صَبْرِيْ! فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِيْ عِنْدَ نِعْمَتِكَ فَلَمْ يَحْرِمْنِيْ وَ عَجَزَ صَبْرِيْ عِنْدَ بَلِيَّتِيْ فَلَمْ يَخْذُلْنِيْ... (دعای ۱۹۹، ش ۱۵۴)؛ پروردگار من چه بسیار نعمت هایی که شکر من در برابر آن کم بوده است و چه بسیار بلاهایی که مرا بدان مبتلا کردی و صبرم از در برابر آن ها ناتوان بود. ای آنکه شکر من در برابر نعمت تو کم بود و مرا از آن محروم نکردی و صبرم در برابر بلیات عاجز بود؛ پس مرا خوار نگرداندی. این عبارات به یکی از دعاهای امام علی (ع)، نقل شده در صحیفه علویه، نزدیک است:

«اِلٰهِيْ كَلَّمَا اَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمَةً قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِيْ وَ كَلَّمَا ابْتَلَيْتَنِيْ بِبَلِيَّةٍ قَلَّ عِنْدَهَا صَبْرِيْ فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِيْ عِنْدَ نِعْمَتِيْ فَلَمْ يَحْرِمْنِيْ وَ يَا مَنْ قَلَّ صَبْرِيْ عِنْدَ بَلَائِيْهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِيْ...» (سماهیجی، ۱۴۲۸ق: ۱۲۹ و ۱۳۰).

«گویند علی مرتضی، کرم الله وجهه، گفت: الهی مرا نعمت دادی شکر تو نکردم و بلا بر من نهادی صبر نکردم، بلا دائم نکردی...» (قشیری، ۱۳۸۲: ۲۹۶؛ عطار، ۱۳۴۶: ۴۷).

«اگر بر گناه مُصْرِیم بر یگانگی تو مُقْرِیم» (انصاری، ۱۳۷۲: ۵۳۴/۲).

۸. اَللّٰهُمَّ فَاِنْ تُعَذِّبُنِيْ فَاَهْلُ ذٰلِكَ اَنَا... (دعای ۱۴۸، ش ۱۵)؛ بار خدایا اگر مرا عذاب کنی شایسته آنم.

«... هر عتاب که فرمایی سزاوار آنم» (مولوی، ۱۳۶۵: ۹۹).

۹. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ... وَ اَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ (دعای ۲۶۹، ش ۱)؛ خداوندا، تو اولی هستی که چیزی قبل از تو وجود ندارد و تو آخری هستی که بعد از تو چیزی وجود ندارد.

«الهی... اول تو بودی و آخر تویی» (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۳).

۱۰. وَ اَجْرٍ مِنْ اَسْبَابِ الْحَلَالِ اُرْزَاقِيْ... (دعای ۷۹، ش ۴)؛ «و از راه حلال روزی مرا مقرر کن» (ص ۱۹۵).

«الهی... روزی من از حلال بده...» (انصاری، ۱۳۷۲: ۲۰۰/۱).

۱۱. رَبِّ لَا حُجَّةَ لِيْ اِنْ اِحْتَجَجْتُ وَلَا عِذْرَ لِيْ اِنْ اِعْتَذَرْتُ... (دعای ۱۶۴، ش ۱۵)؛ خداوندا بهانه‌ای ندارم که به آن دلیل آورم و عذری ندارم که به پیشگاهت عرضه دارم.

«الهی!... عذر تقصیر خود را زبان ندارم» (انصاری، ۱۳۷۲: ۴۳۷/۲).

۱۲. اَنْتَ... الْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ... (دعای ۱۹۴، ش ۴)؛ به همه زبان‌ها تو را صدا می‌زنند.

«الهی... مذکور زبان مداحانی» (میبدی، ۱۳۷۱: ۴۷۰/۳).

۱۳. نَامَتِ الْعِيُوْنُ وَ غَارَتِ النُّجُوْمُ وَ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ، غَلَقْتَ الْمُلوْكَ اَبْوَابَهَا وَ اَقَامْتَ عَلَيْهَا حُرَّاسَهَا وَ

«ای پادشاه بر پادشاهی و پادشاهان، ای آفریننده جهان» (میبدی، ۱۳۷۱: ۸۰/۲۲).

۲. اَنْتَ الرَّبُّ الَّذِيْ مَلَكَتِ الْخَلَائِقَ كُلَّهُمْ... (دعای ۲۴۳، ش ۲)؛ و تو پروردگاری هستی که بر همه خلائق پادشاهی یافته‌ای.

«ای الهیت تو همه عالم را طراز بندگی کشیده» (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۵/۶؛ سمعانی، ۱۳۶۸: ۵۵).

۳. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَقِي الْكَرْيَهَةَ وَ تُعْطِي الْحَسَنَةَ... (دعای ۸۸، ش ۲۲)؛ «خداوندا، تو بندگان را از هر ناپسندی محفوظ می‌داری و حسنه می‌دهی» (ص ۲۱۵).

«الهی، ای دهنده عطا و پوشنده خطا» (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۵۲/۴).

۴. يَا اُنَيْسَ كُلِّ غَرِيْبٍ... (دعای ۱۹۷، ش ۲۰)؛ ای مایه انس غریبان...

«انس جان غریبانی...» (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۰/۵).

۵. ... اَللّٰهُمَّ وَ مَوَاعِيْدِكَ الصَّادِقَةُ... (دعای ۱۱۱، ش ۱)؛ خداوندا وعده‌هایت همان وعده‌های راستین است.

«ای راست و عدل‌نیکو عهد!» (انصاری، ۱۳۷۲: ۴۱۸/۱).

۶. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ اَنْ... اَمْرَضْتَ وَ شَفَيْتَ وَ عَافَيْتَ وَ اَبْلَيْتَ... (دعای ۲۴۲، ش ۲)؛ خدایا سپاس تو را که بیمار کنی و شفا دهی و عافیت و بلا دهی.

«خدایا... بیمار کنی و خود بیمارستان کنی، درمانده کنی و خود درمان کنی» (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۶۱/۱).

۷. اِلٰهِيْ اَنَا الَّذِيْ اَدْعُوْكَ وَ اِنْ عَصَيْتُكَ وَ لَا يَنْسِي قَلْبِيْ ذِكْرَكَ (دعای ۲۰۱، ش ۱۱)؛ خدایا من همانم که تو را می‌خوانم هرچند گناه کرده‌ام و دل من هرگز یاد تو را فراموش نمی‌کند.

۲. شیفتگی به دعاهای اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام سجاد (ع)، در مناجات‌های منثور فارسی به روشنی مشهود است.

۳. نیایش‌های فارسی یا به شیوه تضمین و اقتباس، عین جمله‌های دعایی عربی را در بردارند؛ یا مضمون تعابیر آن‌ها را در دل خود جای داده‌اند.

۴. نمونه‌هایی در نیایش‌های فارسی درخور شناسای است که به وضوح اثبات می‌کند ترجمه بندهایی از دعاهای صحیفه سجاده است.

۵. این ترجمه‌ها آنچنان ماهرانه و با به کارگیری اصل تعادل، به انجام رسیده است که به هیچ روی رایحه ترجمه از آن‌ها استشمام نمی‌شود و می‌تواند راهگشای پژوهشگران حوزه ترجمه عربی به فارسی باشد.

۶. گاه ترجمه‌ها ما را به ضبط صحیح یا راجح برخی از عبارات دعاهای عربی راهنمایی می‌کنند.

منابع

- . صحیفه کامله سجاده. (۱۳۸۶). مقدمه و ترجمه و شرح آیت‌الله میرزا ابوالحسن شعرانی، چ ۶، قم: قائم آل محمد (ع).
 . ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۳۶۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش و تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی.
 . انصاری، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۲). رسائل فارسی، ج ۲، به تصحیح و مقابله سه نسخه و مقدمه و فهرس دکتر محمد سرور مولایی، تهران: توس.
 . ----- (۱۳۶۲). طبقات الصوفیه (ربع چهارم قرن پنجم)، مقابله و تصحیح دکتر محمد سرور مولایی، تهران: توس.
 . حلاج، حسین بن منصور. (۱۳۶۷). اخبار حلاج؛ نسخه‌ای کهن در سیرت حسین بن منصور حلاج، تصحیح و تحشیه

بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِّلْسَانِیْنَ جِئْتُكَ لِتَنْظُرَ إِلَیَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ (دعای ۲۱۵، ش ۱)؛ چشمان (مردمان) خوابیدند و ستاره‌ها ناپدید شدند و تو پادشاهی زنده و پاینده هستی. پادشاهان درهای خود را بستند و بر آن‌ها نگهبانشان را گماشتند؛ در حالی که در تو بر کسانی که از تو مسئلت کنند باز است. به سوی تو آمدم تا بر من نظر کنی ای مهربان‌ترین مهربانان.

«الهی و سیدی شب اندر آمد و ولایت تصرف ملوکان به سر آمد و ستارگان بر آسمان هویدا شدند و خلق جمله بخفتند و ناپیدا شدند، صوت مردمان بیارمید و چشمشان بخفت و از در بنوامیه رسیدند و بایست‌های خود نهفت و بنوامیه درهای خود اندر بستند و پاسبانان برگماشتند و آنان که به ایشان حاجت داشتند حاجت خود فروگذاشتند... تو آن خداوندی که ردّ سائل بر تو روا نباشد آنکه دعا کند از مؤمنان و بر درگاهت سائل را باز دارنده‌ای نباشد از خلق زمین و آسمان» (هجویری، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

۱۴. «مَوْلَایَ مَوْلَایَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ» (دعای ۱۶۸، ش ۶)؛ ای مولا و آقای من تو دائم و من نابود شدنی‌ام. «همه فانی‌ایم، باقی تویی...» (نجم رازی، ۱۳۷۳: ۵۶).

نتیجه

۱. کتب مقدس حاوی نیایش‌های بسیاری است؛ اما دین اسلام گوی سبقت را از دیگر ادیان ربوده است. ایرانیان از هیچ دینی، مانند اسلام استقبال نکردند. کثرت استفاده از آیات و احادیث در متون منظوم و منثور فارسی گواه این مدعا است. نیایش نیز به عنوان آموزه مهم دینی، در این متون نمود یافته است. نیایش در آیین ایرانیان قبل از اسلام (کتاب اوستا) فراوان است؛ اما با مقایسه‌ای اجمالی، میان ادعیه اسلام و مناجات‌های فارسی، می‌توان رد پای این دعاها را نیز در نیایش‌های فارسی یافت.

. قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). رساله قشیریه، مترجم ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، با تصحیحات و استدرکات بدیع الزمان فروزانفر، تهران: علمی و فرهنگی.

. قضاعی محمد بن سلامه. (۱۳۴۹). ترجمه و شرح فارسی شهاب الاخبار، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

. کلابادی، ابوبکر محمد. (۱۳۷۱). تعرف، متن و ترجمه کتاب به کوشش محمدجواد شریعت، تهران: اساطیر.

. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۹۰). مقباس المصابیح، تحقیق و تصحیح قاسم ترکی هرچگانی و مصطفی موسوی بخش، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

. ملک ثابت، مهدی. (۱۳۸۱). بررسی و تحلیل مناجات های منظوم فارسی، یزد: بنیاد فرهنگی، پژوهشی ریحانه الرسول.

. مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۶۵). مجالس سبعة، با تصحیحات و توضیحات دکتر توفیق سبحانی، تهران: کیهان.

. میدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، ۱۰ ج، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: دانشگاه تهران. . نجم رازی، عبد الله بن محمد. (۱۳۷۳). مرصاد العباد، به سعی و اهتمام حسین الحسینی النعمه الالهی ملقب به شمس العرفا، چ ۴، تهران: سنایی.

. هجویری، علی بن عثمان. (۱۳۸۶). کشف المحجوب، مقدمه تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، تهران: سروش.

مقالات

. مهدوی دامغانی، محمود. (۱۳۵۵). اهمیت دعا در اسلام و جلوه آن در صحیفه سجادیه، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، ش ۱۸.

ل. ماسینیون و پ. کراوس، ترجمه و تعلیق سیدحمید طبیبیان، تهران: اطلاعات.

. خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی قدس سره، مشهد: آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی.

. داوودی، حسین. (۱۳۸۰). نجوای قلم؛ درآمدی بر پیشینه مناجات منشور فارسی، تهران: امیرکبیر.

. درایتی، مصطفی. (۱۳۷۷). نمایه نامه موضوعی یا فرهنگ موضوعی صحیفه سجادیه جامعه، با همکاری علی زاده، عباسعلی و سیدموسی صدر، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

----- . و احمد درایتی، المعجم المفهرس لالفاظ الصحیفه السجادیة الجامعة، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

. رضازاده شفق، صادق. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، تهران: آهنگ.

. سماهیجی، عبدالله بن صالح. (۱۴۲۸ق). الصحیفه العلویة المبارکة، چ ۲، بی جا: دارالکتاب الاسلامی.

. سمعانی، احمد بن منصور. (۱۳۶۸). روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح، به تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.

. عطار، محمد بن ابراهیم. (۱۳۴۶). تذکرة الاولیاء، توضیحات و فهارس از محمد استعلامی، تهران: زوار.

. عین القضاء، عبدالله بن محمد. (۱۳۴۱). مصنفات، ج ۱، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تعلیق عقیف عسیران، تهران: دانشگاه تهران.

. غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۶۱). کیمیای سعادت، ج ۱ و ۲، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.

پایان نامه

. صالحی ساداتی، سیده صغری. (۱۳۸۷). بررسی مضامین
مشترک صحیفه سجادیه و مناجات‌های منشور فارسی،
پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.



Sahife Sajjadiye, An Inspiration for Persian Ancient Prayers

S.M.R. Ibnorrasoul*

S. Salehi Sadati**

Abstract

Sahife Sajjadiye is one of the most important and beautiful orison texts in Islam. In this text, there are mystic themes in addition to 4th Imam s prayers. By studying and conforming prayers in Sahife Sajjadiye with Persian prayers in prose, it s obviously shown that many themes in Persian prayers have been influenced by Sahife Sajjadiye. In this paper, the results of authors' researches in Persian liturgies, with a view to pray themes in Sahife Sajjadie are presented in a new form. In this research, by presenting examples on the base of descriptive ° analytical method, it is shown that how and to some extent Iranian mystics have been influenced by Imam Sajjad's prayers.

Key words: Sahife Sajjadie Persian prayers Comparative literature Translation, Citation



* Associate Professor in Arabic Language and Literature, University of Isfahan, Iran.

** Ph.D Candidate in Persian Language and Literature, University of Kashan, Iran.